



عکس از رضا سعیدی پور

استقلال، شهر بی دفاع

در فوتبال اصلی وجود دارد که می‌گوید: «برای موفقیت اول باید دروازه را بسته نگاه داشت و بعد به فکر گلزنی بود». استقلال اما این اصل کلیدی را فراموش کرده و نتیجه‌اش ناکامی‌هایی است که استحقاق آن را ندارد. استقلال در برابر الاهلی مثل همیشه بود. درنده‌ویی رحم در حمله و بی‌تمرکز و آسان‌گیر در دفاع. تیمی که خط دفاعی‌اش با هر حمله‌ای می‌لرزد، می‌باشد و اشتباه می‌کند و در نتیجه ناکام می‌شود. پرونده امروز به این ماجرا می‌پردازد.

رنجی که استقلال می‌برد

پسران آبی در محاصره ناپدیری‌ها

سام ستارزاده

مازیار گیلکان

استقلال هنوز در اجرای دفاع ۳ نفره کار دارد
دفاع، مسئولیت اول مجیدی

۲

استقلال در دوره مربیگری استراماچونی هم ترکیب اصلی خط دفاعش را شناخت و همیشه دچار تغییر در دفاع می‌شد. هفته‌هایی بودند که قدرت هجومی استقلال، ضعف‌های دفاع را پنهان می‌کرد. در دوره مربیگری فرهاد نیز گاهی با قدرت هجومی، ضعف‌های دفاعی را فراموش می‌کردیم اما همیشه اینطور نیست و مثل بازی با الاهلی، وقتی علی کریمی در خط میانی نیست، وقتی فائدی و دیاباته حریف را با فشار مواجه نمی‌کنند، آنگاه دفاع استقلال بیشتر محک می‌خورد. استقلال دروازه‌بانی ندارد که فرشته نجات خط دفاع باشد. حسینی دروازه‌بان قابل اعتمادی است اما نه در آن اندازه که مثل فرشته نجات تمام اشتباهات دفاع را پوشش دهد. استقلال شاید هفته‌های آینده را نیز بدون بازیکنان کلیدی خود بازی کند و مشکلات دفاعی می‌تواند برای این تیم دردسرساز شود. مجیدی حتماً شب بازی با الاهلی این هشدار را بیشتر از همیشه دریافت کرده و شاید در تمرینات روزهای آینده تمرکزش روی دفاع باشد. این یک آزمون تازه برای مربیگری فرهاد است تا ببینیم او در ساختن خط دفاع تیمش چه واکنشی خواهد داشت و با چه کیفیتی دفاع ۳ نفره را اجرا خواهد کرد.

فرهاد مجیدی ساختمان یک سیستم را از استراماچونی تحویل گرفته اما این ساختمان هنوز کار دارد و هنوز باید برای تکمیلش کارهایی کرد که اسمش مربیگری است، کاری که فرهاد مجیدی مسئولیتش را پذیرفته و در آغاز راه توقعات از او کم و کوچک نیستند.

استقلال در دوره آندره آ استراماچونی هم نتوانست مشکلات دفاعی خود را برطرف کند. استراماچونی دفاع ۳ نفره را اجرا کرد، از مزایای این سیستم در حمله بهره‌مند شد اما تیمش هنوز کار داشت تا در دفاع نیز مجری خوبی برای سیستم خود باشد. استراماچونی رفت و فرهاد مجیدی همان سیستم را ادامه داد اما او باید بتواند سیستم را در تیم بهتر اجرا کند، مشکلات دفاعی را برطرف کند و البته پیش از هر چیز باید شناخت کافی از سیستم داشته باشد. فرهاد مجیدی باید از روز اول کارش در استقلال روی سیستم ۲-۵-۳ مطالعه بیشتری می‌کرد، باید نحوه اجرا را بیشتر کشف می‌کرد و با نکته‌سنجی اشتباهات دفاعی را می‌شناخت. هنوز هم دیر نشده. فرهاد اگر قصد ادامه با این سیستم را دارد، باید با شناخت بیشتری از ریزه‌کاری‌های پیش برود. استقلال مقابل الاهلی غایبان پرشماری داشت. بی‌شک دشوار است که یک تیم را در غیاب آن همه بازیکن مؤثر در زمین بچینید اما مسائل دفاعی استقلال به غیبت بازیکنان مربوط نیست و باید درباره‌اش تدبیرهای بهتری انتخاب شود.

فرهاد مجیدی می‌توانست حتی برنده بازی مقابل الاهلی باشد. داور کره‌ای اگر آن اشتباهات بزرگ را مرتکب نمی‌شد، چه بسا استقلال با ۳ امتیاز از کویت به تهران برمی‌گشت اما استقلال حتی در صورت پیروزی هم باید درباره خط دفاع خود سؤالات بسیاری را مطرح کند و بعد برای آنها پاسخ پیدا کند.

در کنار این، بی‌تفاوتی باشگاه در فراهم کردن زمین تمرین مناسب برای تیم، زمینه را برای آسیب‌دیدگی متعدد بازیکنان تشدید کرد. از سویی دیگر، هنوز بحث مطالبات معوقه بازیکنان استقلال، به‌ویژه خارجی‌ها پر حرارت است. برخلاف سال‌های گذشته که استقلالی‌ها در پایان فصل بازیکنان‌شان را یکی‌یکی از دست می‌دادند، زمزمه جدایی ستارگان آبی‌پوش پیش از فرارسیدن سال نوبه گوش رسیده است.

هرویه میلیج کروات از عدم پرداخت معوقاتش به شدت ناراضی است و دیروز هم به یکباره به بهانه سرما خوردگی (آن هم در دمای بالای ۱۵ درجه کویت!) از لیست استقلال خط خورد؛ اتفاقی که برای علی کریمی هم افتاد. این در حالی است که آبی‌های پایتخت از سرنوشت آخرین بازیکنی که پیش از میلیج و کریمی خبر سرما خوردنش را از پل‌های ارتباطی باشگاه شنیده‌اند خاطره خوبی ندارند.

البته عدم شفافیت در نقل قول‌های رسمی باشگاه که کم سابقه هم نبوده، به این دوبازیکن ختم نمی‌شود. شیخ دیاباته هم که برخلاف قول سران استقلال از ایران خارج شده، حال برایش وعده ۱۰ روزه برای بازگشت به ایران داده شده است. هیچ استقلالی دوست ندارد به جدایی چنین بازیکنانی در میانه فصل فکر کند اما کارنامه مدیران فعلی باشگاه در صحبت با هوادار، به کسی اجازه اعتماد به حرف‌های‌شان را نمی‌دهد.

رفع چنین دغدغه‌های سطح پایینی شاید برای هیچ یک از اعضای استقلال اولویت نباشد. هم‌اکنون، دو عضو هیأت مدیره باشگاه در فضای مجازی بر سر صندلی مدیرعاملی با یکدیگر گلاویز می‌شوند.

یک فرد دیگر، خبر اختلاس و فرارش از مرزهای کشور منتشر می‌شود. در این میان، چه کسی در جایی غیر از طومارهای بلندبالایی که در فضای مجازی می‌نویسد، دلش برای استقلال و هوادارانش می‌تپد؟

با این وضع مدیریت، باید هم انتظار داشت که وقتی گل سالم ارسلان مطهری مردود اعلام می‌شود، خبرنگار عربستانی (سعد الحارثی) پرچم‌های عربستان و کره جنوبی را در صفحه شخصی‌اش به اشتراک بگذارد و زیرش به طعنه برای این منسوب داران بنویسد: «بله، نفوذ ما در کنفدراسیون زیاد است!»

نه روزی که شاگردان آندره آ استراماچونی صنعت نفت را در آزادی با پنج گل بدرقه کردند و نه روزی که استقلال فرهاد مجیدی الریان متمول را در قطر با همین تعداد گل تحقیر کرد، هیچ‌کس فکر نمی‌کرد که قرار است به‌زودی آنها را با حال و روزی به آشفتنگی دوشنبه عصرشان ببیند.

استقلال مقابل الاهلی عربستان به معنای واقعی کلمه یک شیرزخمی ولی پرغرور بود. بدون زمین تمرین خانگی، بدون سرپرست فنی و با تنها یک نیمکت نشین بزرگسال به مصاف ارزشمندترین باشگاه آسیا (بنا بر آمار سایت ترانسفرمارکت) رفت اما این وضعیت برای پایان شکست‌ناپذیری مجیدی با آبی‌پوشان کافی نبود؛ بلکه طرف عربستانی برای غلبه بر همین استقلال هم به سوت‌های کو میونگ چین کره‌ای متوسل شد.

استقلال این فصل، از حیث تعصب و تعهدپذیری بازیکنانش در بی‌نظیرترین شرایط خود پس از آخرین قهرمانی‌شان در لیگ برتر به سر می‌برد؛ موضوعی که استراماچونی هم بر آن مهر تأیید نهاده است اما ناپسامانی‌های مدیریتی باشگاه از هر رقیب سرسختی بیشتر برای این استقلال چالش برانگیز بوده و در کشیدن ترمز آبی‌ها مؤثرتر بوده است.

وضعیت نامساعدی که زمینه شکست استقلال برابر الاهلی عربستان را فراهم ساخت نیز حاصل کوتاهی همین افراد است که هیچ یک حتی اندکی از تقصیرات را گردن نمی‌گیرند.

برای نمونه، یک عضو تازه‌وارد هیأت مدیره باشگاه، پس از باخت آبی‌ها در اینستاگرامش نوشت: «مگر هیأت مدیره می‌تواند بازیکن مصدوم را جایگزین کند یا به جای او وارد زمین شود و گل بزند؟»

واضح است که اگر استقلال با ۱۱ غایب آسیب دیده دیدار با شیرهای سبز عربستان را شروع کرد، این فاجعه نتیجه تعلل باشگاه در اعلام نام جانشین استراماچونی در تعطیلات زمستانی بود؛ آن هم در حالی که بعد ها معلوم شد پس از کریسمس بازگشت وی به ایران منتفی شده بود و در رنگ در اعلام سرمربیگری فرهاد مجیدی با هدفی به جز فروکش کردن اعتراضات هواداران صورت نگرفت. همین درنگ فرصت بدنسازی زمستانی را از بازیکنان استقلال سلب کرد.